

لزومی ندارد و از روز بعد از ورود رئیس مالیه البته دولت مکلف است هر لایحه راجع بمالیه مملکت می خواهد به مجلس پیشنهاد نماید باریک کل مالیه باید مشورت نمایند ولی اگر بنا شود ماده باین صریحی که نوشته شده است بعد از ورود رئیس مالیه دولت باید با مشاوران و کارکنان و هیچ دلیلی بر قبلیش ندارد ما در این تردیدی بکنیم بنده باین ترتیب مخالف هستم.

و راجع بدستور هم عقیده ام این است که چون از لایحه کبریت سازی چیزی باقی نمانده و شور اول و دوم هم شده جزو دستور شود و چون ممکن است در ظرف پنج دقیقه این ماده مختصری که از آن باقی مانده تمام شود خوب است جزو دستور شود تا تکلیف آن معلوم گردد.

نایب رئیس - اگر آقایان اجازه می فرمایند جلسه را ختم کنیم.

ارباب کیخسرو - بنده عرضی دارم جلسه پنجشنبه نیست سه شنبه است.

نایب رئیس - بیست نفر اجازه خواستند و همه فرمایش دارند دستور جلسه پنجشنبه شور دوم قرارداد با مصر و لایحه نطف و لایحه شورای دولتی و لایحه کبریت سازی

حائری زاده - بنده تقاضا می کنم معاهده افغانستان را هم ضمیمه کنید که شور دوم هم تمام شود.

( در این موقع آقای نایب رئیس حرکت کرده و مجلس ختم شد )

( مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد رئیس مجلس - مؤتمن الملك

جلسه ۲۰۱

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه سیزدهم جدی ۱۳۰۱ مطابق شانزدهم جمادی الاولی سنه ۱۳۴۱

( مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید )

( صورت جلسه یوم یکشنبه نهم جدی را آقای امیر ناصر قرائت نمودند )

رئیس - آقای سهام السلطان ( اجازه )

سهام السلطان - بنده در دستور عرضی دارم.

در صورت جلسه عرضی ندارم.

رئیس - آقای شیخ الاسلام ( اجازه )

شیخ الاسلام - بنده در صورت مجلس و دستور عرضی ندارم سوالی از آقای وزیر پست و تلگراف دارم آقای وزیر هم تشریف دارند اگر اجازه میفرمائید سوال کنم

رئیس - بفرمائید.

شیخ الاسلام - در شانزدهم قوس تلگرافی تحت نمره ۲۱۷ از رشت از حاج آقای رشتی رسیده است که یک کبیه هم بن داده اند.

این شخص شکایت میکند از اینکه

مأمورین دولت رعایت احترام امضاء دولت را نمی کنند از قرار معلوم امتیاز تلفون گیلانات باین شخص داده شده میگوید یک مرتبه از انزلی بغافل سیم کشیده ام روسها برده اند یک مرتبه دیگر مجدداً سیم کشیدم جزو غنائیم جنگی شد دفعه دیگر سیم کشیدم بحکم آرسن خان سیمها را بردند باز هم تازگی سیم کشیده ام آرسن خان حکم کرده است سیمهای مرا ببرند.

خواستم از آقای وزیر پست و تلگراف سوال کنم که آیا تظلمات این شخص صدق است یا کذب آیا چه شده است که این قسم شکایت می کند؟ و میگوید هر قسم تظلم هم می کنم جواب نمی دهند.

وزیر پست و تلگراف - در جواب نماینده محترم عرض میکنم اداره تلگراف یک دوسیه هائی دارد که بر طبق آن دوسیهها یک مقدار سیم مخصوصاً سیم های تحت البحری که قیمت زیادی دارد از حاج آقا می باشد و مدت است اداره تلگراف از حاج آقا ادعای سیمها را می کند آقای حاج آقا حاضر نشده است سیمها را تسلیم کند و حرفش این بود که کمسیون صالحی در رشت از طرف وزارت پست و تلگراف و فواید عامه تشکیل شود در آن کمسیون نوشتجات خود را ارائه میدهم.

اگر آن نوشتجات صحیح نبود سیمها را تسلیم خواهم کرد.

وزارت پست و تلگراف هم در این موضوع با وزارت فواید عامه مذاکرات زیادی نمود بالاخره قرارداد کمسیون مختلطی از نمایندگان پست و تلگراف و وزارت فواید عامه در رشت تشکیل شود و بنوشتجات و ادعای حاج آقا رسیدگی نماید.

از طرف وزارت پست و تلگراف مسیو بایرویک نفر دیگر و از طرف فواید عامه یکی دوف نفر مأمور شدند و در رشت کمسیونی تشکیل دادند.

ولی آقای حاج آقا در آن کمسیون حاضر نشد و بتوسط اتحادیه تجار طهران و حاج معین التجاریک تشبثاتی نمود و اظهار داشت این کمسیون صالح نیست و بهترین است کمسیونی در تهران تشکیل شود تا من نوشتجات خود را در آن کمسیون ارائه دهم بنده برای اینکه سخت گیری نشده باشد قبول کردم که کمسیونی در تهران تشکیل شود و دستور العمل داده شده است که مأمورین بطهران حرکت کنند و البته بعد از آنکه آمدند بطهران اگر آقای حاج آقا حاضر شد که در کمسیون نوشتجات خود را ارائه دهد البته ما هم نخواهیم حق او را ابطال کرد ولی بطوریکه دوسیهها نشان میدهند هیچ محل تردید نیست که سیمهای کابل تحت البحری در تصرف آقای حاج آقا است و تقریباً زرعی پنج تومان قیمت آن سیمها است البته بعد از آنکه آمدند اینجا اگر ثابت کردند که سیمها متعلق بایشان است

از ایشان گرفته نخواهد شد و اگر اداره تلگراف ثابت کرد که سیم ها مال ایشان نیست البته سیم ها را از ایشان خواهد گرفت.

شیخ الاسلام - بنده خیلی بیزارم از کسی که بخواند یکشاهی حق دولت را ببرد و قصدم از این سؤال این بود که این شخص تلگراف کرده که بتظلم من رسیدگی نمیشود و بمن جواب نمیدهند تکلیفش معلوم شود.

رئیس - آقای سهام السلطان ( اجازه )

سهام السلطان - بریر روز لایحه امتیاز نطف جزو دستور بود ولی چون وقت گذشته بود در او مانده نشد چون اهمیت این که لایحه بقدریست لازم با اظهار بنده نیست لذا لازم است شور اول آن زودتر تمام شود که در کمسیون برای شور دوم حاضر گردد از این جهت بنده پیشنهاد میکنم که این لایحه در دستور امروز مقدم باشد.

رئیس - آقای حاج امین التجار ( اجازه )

حاج امین التجار - بنده یک مطلبی داشتم که راجع بدستور نیست اگر اجازه میدهید عرض کنم.

رئیس - بفرمائید.

حاج امین التجار - اگر چه این مطلبی را که می خواهم عرض کنم قاعده بایستی از وزارت مالیه سؤال کنم ولی چون آقایان وزراء برای جواب سؤالا کمتر حاضر میشوند و اگر هم حاضر شوند مثل دو جلسه قبل هیچ جواب نمی دهند باین جهت مجبور شدم در ابتدای جلسه بعرض آقایان برسانم عرض بنده راجع بمنع زراعت تریاک است در چند جلسه قبل در اثر تلگرافاتی که از اصفهان و سایر نقاط رسیده بود آقای شیخ الاسلام در این باره شرحی بیان کردند و من تصور میکردم در نتیجه اظهارات ایشان وزارت مالیه برای جبران اعلان سابقش که راجع بمنع زراعت تریاک نموده بود آزادی کشت تریاک را اعلان خواهد نمود و لسی حالا می بینم در عوض اینکه اعلان آزادی کشت تریاک از طرف وزارت مالیه منتشر شود حکومت بجنورد رسماً اعلان کرده است که نباید تریاک کاشت و جدا زراعت تریاک را قلع و علع نموده است

بنده خیلی تعجب میکنم که چگونه دولت در یک مسئله حیاتی که صادرات است اینطور لاقیدی میکند.

یک روز لایحه منع خروج پوست بره رایش نهاد میکنند بیهانه کمی شیر در صورتیکه ایلات هیچوقت گو سفند و بره ماده را نمیکشند و اگر بکشند بره سر را میکشند یک روز قانون مالیات و گمرک کثیرا را به مجلس می آورند اول صد سسی بعد صد بیست و پنج بعد صد بیست و بالآخره بهر طوری که هست گمرک آن را از مجلس

بگذرانند.

یک روز مسئله منع خروج قالی جوهری را بمجلس می آورند یک روز هم منع زراعت تریاک را صادرات تریاک ایران در سال بالغ بر بیازده کروڑ تومان است در ایران قریب هزار خروار تریاک عمل می آید شاید یک خروار آن در داخله مملکت مصرف شود و نهصد و نود و نه خروار آن بخارج می رود.

از قاریکه بنده شنیده ام آقای پرنس ارفع الدوله نماینده دولت ایران در مجمع بین المللی یک نطقی غریبی فرموده اند و گفته اند من لایحه منع زراعت تریاک را امضاء میکنم از این نقطه نظر که تمام تریاک که در ایران عمل می آید در داخله ایران مصرف می شود یک نفر اروپائی در جواب ایشان میگوید که شاید از وضعیت مملکت خودتان کاملاً اطلاع ندارید زیرا قریب نهم تریاک دنیا را ایران می دهد باین حال که وضع صادرات ما باین روز افتاده است بنده تصور میکنم اگر مجلس موافقت کند شرحی بوزارت داخله نوشته شود که از زراعت تریاک جلوگیری نکنند تا اینکه لایحه در این موضوع تقدیم مجلس شود و تکلیف این مسئله را مجلس معین کند زیرا این مسئله مهمی است و لولاینکه در همه جا منع زراعت تریاک رسماً اعلان نشده است ولی همین قدر که سایر نقاط فهمیدند زراعت تریاک را در بجنورد منع کرده اند دیگر تریاک کاری نخواهند کرد زیرا تریاک کاری در ابتدا خرج زیادی دارد و اگر زارعین مطمئن نباشند که محصول خود را بقیمت واقعی میتوانند بفروشند بهیچ وجه تریاک نخواهند کاشت و این مسئله لطمه بزرگی بص صادرات ایران خواهد زد.

رئیس - آقای آقامیرزاشهاب ( اجازه )

آقای آقامیرزاشهاب الدین - بنده سوالی را از آقای وزیر پست و تلگراف داشتم راجع بسیم سیرجان و بافت در موقع تابستان هم سوالی در این موضوع شد که باینکه آن سیم از طرف انگلیسها بدولت ایران واگذار شده است سبب چیست که تلگرافچی ایرانی به آن نقطه نمی فرستند و هنوز در آن نقطه با حروف لاطین مغایران تلگرافی می شود و در جواب فرمودند چون تابستان و هوا گرم است و بواسطه گرمی هوا مغایره تلگراف ایران ممکن نیست حالا که هوا سرد شده است و بر فهم روی آنها آمده است دیگر چه مانعی هست که تلگرافچی برای آن جانمیر فرستند تا تلگرافات با خط ایرانی مغایره شود.

یک دستگاہ برای بافت یک دستگاہ هم برای سیرجان لازم است.

سیم بندر عباس را هم واگذار بدولت ایران کردند و تلگرافچی هم برای آن نقطه رفت و چنانچه سابقاً در مجلس مذاکره شد قرار شد که هر قراری دادی راجع بسیم تلگراف می شود باید بصورتش بمجلس آمده

میکشند و اگر بکشند بره سر را کثیرا را به مجلس می آورند اول صد سسی بعد صد بیست و پنج بعد صد بیست و بالآخره بهر طوری که هست گمرک آن را از مجلس

بگذرانند.

یک روز مسئله منع خروج قالی جوهری را بمجلس می آورند یک روز هم منع زراعت تریاک را صادرات تریاک ایران در سال بالغ بر بیازده کروڑ تومان است در ایران قریب هزار خروار تریاک عمل می آید شاید یک خروار آن در داخله مملکت مصرف شود و نهصد و نود و نه خروار آن بخارج می رود.

از قاریکه بنده شنیده ام آقای پرنس ارفع الدوله نماینده دولت ایران در مجمع بین المللی یک نطقی غریبی فرموده اند و گفته اند من لایحه منع زراعت تریاک را امضاء میکنم از این نقطه نظر که تمام تریاک که در ایران عمل می آید در داخله ایران مصرف می شود یک نفر اروپائی در جواب ایشان میگوید که شاید از وضعیت مملکت خودتان کاملاً اطلاع ندارید زیرا قریب نهم تریاک دنیا را ایران می دهد باین حال که وضع صادرات ما باین روز افتاده است بنده تصور میکنم اگر مجلس موافقت کند شرحی بوزارت داخله نوشته شود که از زراعت تریاک جلوگیری نکنند تا اینکه لایحه در این موضوع تقدیم مجلس شود و تکلیف این مسئله را مجلس معین کند زیرا این مسئله مهمی است و لولاینکه در همه جا منع زراعت تریاک رسماً اعلان نشده است ولی همین قدر که سایر نقاط فهمیدند زراعت تریاک را در بجنورد منع کرده اند دیگر تریاک کاری نخواهند کرد زیرا تریاک کاری در ابتدا خرج زیادی دارد و اگر زارعین مطمئن نباشند که محصول خود را بقیمت واقعی میتوانند بفروشند بهیچ وجه تریاک نخواهند کاشت و این مسئله لطمه بزرگی بص صادرات ایران خواهد زد.

رئیس - آقای آقامیرزاشهاب ( اجازه )

آقای آقامیرزاشهاب الدین - بنده سوالی را از آقای وزیر پست و تلگراف داشتم راجع بسیم سیرجان و بافت در موقع تابستان هم سوالی در این موضوع شد که باینکه آن سیم از طرف انگلیسها بدولت ایران واگذار شده است سبب چیست که تلگرافچی ایرانی به آن نقطه نمی فرستند و هنوز در آن نقطه با حروف لاطین مغایران تلگرافی می شود و در جواب فرمودند چون تابستان و هوا گرم است و بواسطه گرمی هوا مغایره تلگراف ایران ممکن نیست حالا که هوا سرد شده است و بر فهم روی آنها آمده است دیگر چه مانعی هست که تلگرافچی برای آن جانمیر فرستند تا تلگرافات با خط ایرانی مغایره شود.

میکشند و اگر بکشند بره سر را کثیرا را به مجلس می آورند اول صد سسی بعد صد بیست و پنج بعد صد بیست و بالآخره بهر طوری که هست گمرک آن را از مجلس بگذرانند.

یک روز مسئله منع خروج قالی جوهری را بمجلس می آورند یک روز هم منع زراعت تریاک را صادرات تریاک ایران در سال بالغ بر بیازده کروڑ تومان است در ایران قریب هزار خروار تریاک عمل می آید شاید یک خروار آن در داخله مملکت مصرف شود و نهصد و نود و نه خروار آن بخارج می رود.

از قاریکه بنده شنیده ام آقای پرنس ارفع الدوله نماینده دولت ایران در مجمع بین المللی یک نطقی غریبی فرموده اند و گفته اند من لایحه منع زراعت تریاک را امضاء میکنم از این نقطه نظر که تمام تریاک که در ایران عمل می آید در داخله ایران مصرف می شود یک نفر اروپائی در جواب ایشان میگوید که شاید از وضعیت مملکت خودتان کاملاً اطلاع ندارید زیرا قریب نهم تریاک دنیا را ایران می دهد باین حال که وضع صادرات ما باین روز افتاده است بنده تصور میکنم اگر مجلس موافقت کند شرحی بوزارت داخله نوشته شود که از زراعت تریاک جلوگیری نکنند تا اینکه لایحه در این موضوع تقدیم مجلس شود و تکلیف این مسئله را مجلس معین کند زیرا این مسئله مهمی است و لولاینکه در همه جا منع زراعت تریاک رسماً اعلان نشده است ولی همین قدر که سایر نقاط فهمیدند زراعت تریاک را در بجنورد منع کرده اند دیگر تریاک کاری نخواهند کرد زیرا تریاک کاری در ابتدا خرج زیادی دارد و اگر زارعین مطمئن نباشند که محصول خود را بقیمت واقعی میتوانند بفروشند بهیچ وجه تریاک نخواهند کاشت و این مسئله لطمه بزرگی بص صادرات ایران خواهد زد.

رئیس - آقای آقامیرزاشهاب ( اجازه )

آقای آقامیرزاشهاب الدین - بنده سوالی را از آقای وزیر پست و تلگراف داشتم راجع بسیم سیرجان و بافت در موقع تابستان هم سوالی در این موضوع شد که باینکه آن سیم از طرف انگلیسها بدولت ایران واگذار شده است سبب چیست که تلگرافچی ایرانی به آن نقطه نمی فرستند و هنوز در آن نقطه با حروف لاطین مغایران تلگرافی می شود و در جواب فرمودند چون تابستان و هوا گرم است و بواسطه گرمی هوا مغایره تلگراف ایران ممکن نیست حالا که هوا سرد شده است و بر فهم روی آنها آمده است دیگر چه مانعی هست که تلگرافچی برای آن جانمیر فرستند تا تلگرافات با خط ایرانی مغایره شود.

یک دستگاہ برای بافت یک دستگاہ هم برای سیرجان لازم است.

سیم بندر عباس را هم واگذار بدولت ایران کردند و تلگرافچی هم برای آن نقطه رفت و چنانچه سابقاً در مجلس مذاکره شد قرار شد که هر قراری دادی راجع بسیم تلگراف می شود باید بصورتش بمجلس آمده

میکشند و اگر بکشند بره سر را کثیرا را به مجلس می آورند اول صد سسی بعد صد بیست و پنج بعد صد بیست و بالآخره بهر طوری که هست گمرک آن را از مجلس بگذرانند.

یک روز مسئله منع خروج قالی جوهری را بمجلس می آورند یک روز هم منع زراعت تریاک را صادرات تریاک ایران در سال بالغ بر بیازده کروڑ تومان است در ایران قریب هزار خروار تریاک عمل می آید شاید یک خروار آن در داخله مملکت مصرف شود و نهصد و نود و نه خروار آن بخارج می رود.

از قاریکه بنده شنیده ام آقای پرنس ارفع الدوله نماینده دولت ایران در مجمع بین المللی یک نطقی غریبی فرموده اند و گفته اند من لایحه منع زراعت تریاک را امضاء میکنم از این نقطه نظر که تمام تریاک که در ایران عمل می آید در داخله ایران مصرف می شود یک نفر اروپائی در جواب ایشان میگوید که شاید از وضعیت مملکت خودتان کاملاً اطلاع ندارید زیرا قریب نهم تریاک دنیا را ایران می دهد باین حال که وضع صادرات ما باین روز افتاده است بنده تصور میکنم اگر مجلس موافقت کند شرحی بوزارت داخله نوشته شود که از زراعت تریاک جلوگیری نکنند تا اینکه لایحه در این موضوع تقدیم مجلس شود و تکلیف این مسئله را مجلس معین کند زیرا این مسئله مهمی است و لولاینکه در همه جا منع زراعت تریاک رسماً اعلان نشده است ولی همین قدر که سایر نقاط فهمیدند زراعت تریاک را در بجنورد منع کرده اند دیگر تریاک کاری نخواهند کرد زیرا تریاک کاری در ابتدا خرج زیادی دارد و اگر زارعین مطمئن نباشند که محصول خود را بقیمت واقعی میتوانند بفروشند بهیچ وجه تریاک نخواهند کاشت و این مسئله لطمه بزرگی بص صادرات ایران خواهد زد.

رئیس - آقای آقامیرزاشهاب ( اجازه )

آقای آقامیرزاشهاب الدین - بنده سوالی را از آقای وزیر پست و تلگراف داشتم راجع بسیم سیرجان و بافت در موقع تابستان هم سوالی در این موضوع شد که باینکه آن سیم از طرف انگلیسها بدولت ایران واگذار شده است سبب چیست که تلگرافچی ایرانی به آن نقطه نمی فرستند و هنوز در آن نقطه با حروف لاطین مغایران تلگرافی می شود و در جواب فرمودند چون تابستان و هوا گرم است و بواسطه گرمی هوا مغایره تلگراف ایران ممکن نیست حالا که هوا سرد شده است و بر فهم روی آنها آمده است دیگر چه مانعی هست که تلگرافچی برای آن جانمیر فرستند تا تلگرافات با خط ایرانی مغایره شود.

یک دستگاہ برای بافت یک دستگاہ هم برای سیرجان لازم است.

سیم بندر عباس را هم واگذار بدولت ایران کردند و تلگرافچی هم برای آن نقطه رفت و چنانچه سابقاً در مجلس مذاکره شد قرار شد که هر قراری دادی راجع بسیم تلگراف می شود باید بصورتش بمجلس آمده

میکشند و اگر بکشند بره سر را کثیرا را به مجلس می آورند اول صد سسی بعد صد بیست و پنج بعد صد بیست و بالآخره بهر طوری که هست گمرک آن را از مجلس بگذرانند.

یک روز مسئله منع خروج قالی جوهری را بمجلس می آورند یک روز هم منع زراعت تریاک را صادرات تریاک ایران در سال بالغ بر بیازده کروڑ تومان است در ایران قریب هزار خروار تریاک عمل می آید شاید یک خروار آن در داخله مملکت مصرف شود و نهصد و نود و نه خروار آن بخارج می رود.

از قاریکه بنده شنیده ام آقای پرنس ارفع الدوله نماینده دولت ایران در مجمع بین المللی یک نطقی غریبی فرموده اند و گفته اند من لایحه منع زراعت تریاک را امضاء میکنم از این نقطه نظر که تمام تریاک که در ایران عمل می آید در داخله ایران مصرف می شود یک نفر اروپائی در جواب ایشان میگوید که شاید از وضعیت مملکت خودتان کاملاً اطلاع ندارید زیرا قریب نهم تریاک دنیا را ایران می دهد باین حال که وضع صادرات ما باین روز افتاده است بنده تصور میکنم اگر مجلس موافقت کند شرحی بوزارت داخله نوشته شود که از زراعت تریاک جلوگیری نکنند تا اینکه لایحه در این موضوع تقدیم مجلس شود و تکلیف این مسئله را مجلس معین کند زیرا این مسئله مهمی است و لولاینکه در همه جا منع زراعت تریاک رسماً اعلان نشده است ولی همین قدر که سایر نقاط فهمیدند زراعت تریاک را در بجنورد منع کرده اند دیگر تریاک کاری نخواهند کرد زیرا تریاک کاری در ابتدا خرج زیادی دارد و اگر زارعین مطمئن نباشند که محصول خود را بقیمت واقعی میتوانند بفروشند بهیچ وجه تریاک نخواهند کاشت و این مسئله لطمه بزرگی بص صادرات ایران خواهد زد.

رئیس - آقای آقامیرزاشهاب ( اجازه )

آقای آقامیرزاشهاب الدین - بنده سوالی را از آقای وزیر پست و تلگراف داشتم راجع بسیم سیرجان و بافت در موقع تابستان هم سوالی در این موضوع شد که باینکه آن سیم از طرف انگلیسها بدولت ایران واگذار شده است سبب چیست که تلگرافچی ایرانی به آن نقطه نمی فرستند و هنوز در آن نقطه با حروف لاطین مغایران تلگرافی می شود و در جواب فرمودند چون تابستان و هوا گرم است و بواسطه گرمی هوا مغایره تلگراف ایران ممکن نیست حالا که هوا سرد شده است و بر فهم روی آنها آمده است دیگر چه مانعی هست که تلگرافچی برای آن جانمیر فرستند تا تلگرافات با خط ایرانی مغایره شود.

یک دستگاہ برای بافت یک دستگاہ هم برای سیرجان لازم است.

سیم بندر عباس را هم واگذار بدولت ایران کردند و تلگرافچی هم برای آن نقطه رفت و چنانچه سابقاً در مجلس مذاکره شد قرار شد که هر قراری دادی راجع بسیم تلگراف می شود باید بصورتش بمجلس آمده

میکشند و اگر بکشند بره سر را کثیرا را به مجلس می آورند اول صد سسی بعد صد بیست و پنج بعد صد بیست و بالآخره بهر طوری که هست گمرک آن را از مجلس بگذرانند.

یک روز مسئله منع خروج قالی جوهری را بمجلس می آورند یک روز هم منع زراعت تریاک را صادرات تریاک ایران در سال بالغ بر بیازده کروڑ تومان است در ایران قریب هزار خروار تریاک عمل می آید شاید یک خروار آن در داخله مملکت مصرف شود و نهصد و نود و نه خروار آن بخارج می رود.

از قاریکه بنده شنیده ام آقای پرنس ارفع الدوله نماینده دولت ایران در مجمع بین المللی یک نطقی غریبی فرموده اند و گفته اند من لایحه منع زراعت تریاک را امضاء میکنم از این نقطه نظر که تمام تریاک که در ایران عمل می آید در داخله ایران مصرف می شود یک نفر اروپائی در جواب ایشان میگوید که شاید از وضعیت مملکت خودتان کاملاً اطلاع ندارید زیرا قریب نهم تریاک دنیا را ایران می دهد باین حال که وضع صادرات ما باین روز افتاده است بنده تصور میکنم اگر مجلس موافقت کند شرحی بوزارت داخله نوشته شود که از زراعت تریاک جلوگیری نکنند تا اینکه لایحه در این موضوع تقدیم مجلس شود و تکلیف این مسئله را مجلس معین کند زیرا این مسئله مهمی است و لولاینکه در همه جا منع زراعت تریاک رسماً اعلان نشده است ولی همین قدر که سایر نقاط فهمیدند زراعت تریاک را در بجنورد منع کرده اند دیگر تریاک کاری نخواهند کرد زیرا تریاک کاری در ابتدا خرج زیادی دارد و اگر زارعین مطمئن نباشند که محصول خود را بقیمت واقعی میتوانند بفروشند بهیچ وجه تریاک نخواهند کاشت و این مسئله لطمه بزرگی بص صادرات ایران خواهد زد.

رئیس - آقای آقامیرزاشهاب ( اجازه )

آقای آقامیرزاشهاب الدین - بنده سوالی را از آقای وزیر پست و تلگراف داشتم راجع بسیم سیرجان و بافت در موقع تابستان هم سوالی در این موضوع شد که باینکه آن سیم از طرف انگلیسها بدولت ایران واگذار شده است سبب چیست که تلگرافچی ایرانی به آن نقطه نمی فرستند و هنوز در آن نقطه با حروف لاطین مغایران تلگرافی می شود و در جواب فرمودند چون تابستان و هوا گرم است و بواسطه گرمی هوا مغایره تلگراف ایران ممکن نیست حالا که هوا سرد شده است و بر فهم روی آنها آمده است دیگر چه مانعی هست که تلگرافچی برای آن جانمیر فرستند تا تلگرافات با خط ایرانی مغایره شود.

یک دستگاہ برای بافت یک دستگاہ هم برای سیرجان لازم است.

سیم بندر عباس را هم واگذار بدولت ایران کردند و تلگرافچی هم برای آن نقطه رفت و چنانچه سابقاً در مجلس مذاکره شد قرار شد که هر قراری دادی راجع بسیم تلگراف می شود باید بصورتش بمجلس آمده

میکشند و اگر بکشند بره سر را کثیرا را به مجلس می آورند اول صد سسی بعد صد بیست و پنج بعد صد بیست و بالآخره بهر طوری که هست گمرک آن را از مجلس بگذرانند.

یک روز مسئله منع خروج قالی جوهری را بمجلس می آورند یک روز هم منع زراعت تریاک را صادرات تریاک ایران در سال بالغ بر بیازده کروڑ تومان است در ایران قریب هزار خروار تریاک عمل می آید شاید یک خروار آن در داخله مملکت مصرف شود و نهصد و نود و نه خروار آن بخارج می رود.

از قاریکه بنده شنیده ام آقای پرنس ارفع الدوله نماینده دولت ایران در مجمع بین المللی یک نطقی غریبی فرموده اند و گفته اند من لایحه منع زراعت تریاک را امضاء میکنم از این نقطه نظر که تمام تریاک که در ایران عمل می آید در داخله ایران مصرف می شود یک نفر اروپائی در جواب ایشان میگوید که شاید از وضعیت مملکت خودتان کاملاً اطلاع ندارید زیرا قریب نهم تریاک دنیا را ایران می دهد باین حال که وضع صادرات ما باین روز افتاده است بنده تصور میکنم اگر مجلس موافقت کند شرحی بوزارت داخله نوشته شود که از زراعت تریاک جلوگیری نکنند تا اینکه لایحه در این موضوع تقدیم مجلس شود و تکلیف این مسئله را مجلس معین کند زیرا این مسئله مهمی است و لولاینکه در همه جا منع زراعت تریاک رسماً اعلان نشده است ولی همین قدر که سایر نقاط فهمیدند زراعت تریاک را در بجنورد منع کرده اند دیگر تریاک کاری نخواهند کرد زیرا تریاک کاری در ابتدا خرج زیادی دارد و اگر زارعین مطمئن نباشند که محصول خود را بقیمت واقعی میتوانند بفروشند بهیچ وجه تریاک نخواهند کاشت و این مسئله لطمه بزرگی بص صادرات ایران خواهد زد.

و بتصویب مجلس باشد علت اینکه صورت این سیم بندر عباس راهم بمجلس نیلورده ند چیست ؟

وزیر پست و تلگراف - تلگرافچی برای آن نقطه معین شده است و عن قریب حرکت خواهد کرد .

چون تلگرافچی که اول معین شد برود مریض گردید قرار شد یک تلگرافچی دیگر برود .

آقامیرزاشهاب - در کرمان تلگراف چی زیاد بود و ممکن بود از همانجا فرستاده شود . آلان قریب هفت ۸ ماه از موقع سؤال بنده گذشته است و هنوز تکلیف آنجا معلوم نیست استدعا دارم معین کنند این عن قریب تا کی طول خواهد کشید ،

وزیر پست و تلگراف - چنانچه عرض کردم یک تلگرافچی معین شده بود ولی مدتی مریض بود . سیرده ام یک تلگرافچی دیگر عوض ایشان بفرستند و اینکه فرمودند در کرمان تلگرافچی هست اینطور نیست زیرا اگر تلگرافچی اضافه در کرمان داشتیم حتما تا کنون فرستاده بودیم .

رئیس - آقای حاج مخبر السلطنه (اجازه) حاج مخبر السلطنه - بنده خواستم عرض کنم مطابق نظامنامه داخلی وقتی که سؤالی از وزیر می شود اقل بعد از یک ماه جواب باید بدهد و متاسفانه می بینم هر روز یک لایحه خرج بیاورند و ما هم بایک بشاشتی تصویب میکنم سؤالی که بنده کرده بودم راجع بهفتاد هزار تومان دارائی این مملکت بود که بدون جهت برده اند و اگر آقای وزیر میآمدند و جواب مرا می دادند لااقل هفتاد هزار تومان که از مالیه مملکت رفته است بر میگشت بنده خیلی تعجب دارم که راجع بهفتاد هزار تومان که از مالیه مملکت رفته است سؤال کرده ام و اصلا حاضر نمیشوند جواب مرا بدهند و خودشان را هم وزیر می دانند و ما و کلا هم اینجا نشستیم این چیزها را می بینیم و هیچ حرف نمی زنیم !

رئیس - آقای ملک الشعراء (اجازه)

ملک الشعراء - بنده راجع بقضیه تریاک که آقای حاج امین التجار اظهار کردند خواستم عرض کنم اخیرا تلگرافی از بجنورد بامضای تمام علماء و خوانین و تجار و ملاکین آنجا رسیده است که مخصوصا باین لفظ نوشته اند ما زراعت شجره خبیثه تریاک را موقوف کردیم . حالا بعضی از آقایان تصور کرده اند که این اقدام اهالی بجنورد شاید از نقطه نظر قدغن کردن زراعت تریاک باشد که دولت منع کرده باشد در صورتیکه اینطور نیست و بنده تصور میکنم موقوف کردن زراعت تریاک در بجنورد از دو نقطه نظر است یکی اینکه کشیدن تریاک از بین برود . یکی هم بواسطه شدت فشار مأمورین تجدید است

البته خاطر محترم آقایان و خاطر محترم آقای رئیس مسبوق است که درشش هفت ماه قبل چند فقره تلگراف مفصل با فریاد و ناله و استعانه زیاد از طرف زارعین و ملاکین و علماء و خورده مالکهای بجنورد رسید که همه از مأمورین تجدید شکایت کرده بودند و نوشته بودند مأمورین تریاک با قزاق در زراعت مردم میریزند و مردم را از زراعت تریاک ممانعت میکنند و متاسفانه بشکایات آنها هم رسیدگی نشد . حالا نمی خواهم عرض کنم بچه سبب مجلس آن موضوع را مسکوت عنه گذارد بهر جهت فشار و تعدی مأمورین تجدید باعث شد که اهالی را وادار کرد که از زراعت تریاک صرف نظر کنند . . . .

حاج امین التجار - حکومت رسم ممانعت کرده است

ملک الشعراء - بنده خواستم خاطر آقای حاج امین التجار را تذکر بدهم که یافشار مأمورین تجدید یا فشار غیر مستقیم حکومت فرق نمیکند بهر جهت باین واسطه ها بوده است که خود اهالی از کشت و زرع تریاک صرف نظر کرده اند و اینکه فرمودند بواسطه آن امضائیکه مأمورین دولت ایران در لاهه قبل از جنگ داده اند یا بواسطه امضاء جدیدی که راجع به منع زراعت تریاک در مجمع ملل داده اند باین واسطه در ایران از زراعت تریاک جلوگیری میکنند اینطور نیست و دولت هنوز امر قطعی در این باب نداده است و نباید هم بدهد زیرا همانطور که آقای حاج امین التجار فرمودند در سال کرورها عایدات صادرات تریاک است و بنده هم موافقم که لایحه در این موضوع از طرف دولت بمجلس بیاید و از طرف وزارت خارجه هم در این باب توضیحاتی داده شود و یک طریق حلی هم در این باب هست که خود بنده هم چندی قبل در نوبهار آن راه حل را نوشتم و دولی هم که این قرارداد را امضاء کرده اند حاضرند که ترتیبی در این باب داده شود که متدرجا زراعت تریاک محو و معدوم شود و دولت ایران هم میتواند با اتفاق مجلس یک قراری در این باب بگذارد که هم برخلاف امضاء نمایندگان در لاهه و در جامعه ملل رفتار نکرده باشد و هم زراعت تریاک یکمرتبه از بین نرود که صدمه به عایدات مملکت وارد آید و بالاخره در ضمن مذاکرات میتوانیم راجع باین تجدید هم یک قراری بگذاریم که این قدر مردم را اذیت نکنند و در مملکت یک همچو زراعت مهمی یکمرتبه از بین نرود

رئیس - آقای ارفع الدوله اول نماینده دولت ایران در جامعه ملل در این خصوص با مجلس مکاتبات کرده اخیراً نوشتجاتی رسیده بود از توضیحات و رقمجات او معلوم میشود که هنوز قرار داد ۱۹۱۲ را امضاء نکرده است و منتظر دستور العمل دولت است

(پیشنهاد آقای امین التجار) بشرح آتی قرائت شد) بنده پیشنهادی کنم از طرف مجلس شرحی بوزارت داخله و مالیه نوشته شود که در موضوع منع زراعت تریاک هیچ قسم اقدامی نکنند مگر اینکه قبلا از تصویب مجلس شورای ملی گذشته باشد (امین التجار)

رئیس - بواسطه اینکه در چند روز قبل در اینجا مذاکره در این باب شده بود شرحی در این موضوع بهمین مضمون بدولت نوشته شده است در این صورت دیگر در ثانی لازم نیست چیزی نوشته شود .

آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - میخواستم تذکر بدهم که آنروز صحبت بود و قرار شد از مقام ریاست چیزی بدولت نوشته شود اگر آن نوشته شده گمان نمی کنم دیگر لازم باشد چیزی نوشته شود

رئیس آقای داور (اجازه)

داور - اصل ۲۷ قانون اساسی را البته آقایان در نظر دارند که مینویسد مجلس در هر جائی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسئول در آن اختطاز کار خواهد کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازم را بدهد

چند روز قبل شاهزاده نصرت الدوله راجع بچیزی که شنیده بودند و کم کم منتشر شده است تذکر می دادند امروز بنده هم می خواهم اصل دیگر قانون اساسی را بخوانم و آن اصل بیست و پنجم است که مینویسد:

استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد

در این موضوع بنده همچو شنیده ام که دولت یک قرضی کرده و عایدات فقط جنوب را بطور وثیقه داده است از روزی که آقای نصرت الدوله این مسئله را تذکر دادند تا کنون دولت تکذیب نکرده است

نظر باینکه این مسئله مهم است و این عایدات عایدات منظمی است که با او میشود کارهای عالی تری کرد برای روز مبادا و جلب یک سرمایه هائی

که بشود یک کارهای بزرگ اقتصادی با آن نمود از این جهت بنده اصل ۲۷ را متذکر شدم که مجلس باید احتیاط کند و ببیند این کار صحت دارد یا نه ولو بعنوان آوانس قرض کرده اند یا نکرده اند در هر صورت این مسئله را باید بدولت تذکر بدهند و توضیح بخواهند و اگر این مسئله واقعیت ندارد تکذیب کنند

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده بمناسبت اینکه در اینجا مذاکره تریاک شد که یک مسائلی در بجنورد اتفاق افتاده است و یک شکایاتی از شاهرود یا جای دیگر شده است بعقیده بنده بطوریکه آقای ملک الشعراء فرمودند بواسطه تعدیات مأمورین تجدید بوده است خیلی مناسب است و این را عرض کنم در این هوای زمستان بواسطه فشار طاهرزاده رئیس تجدید آنجا اهالی بستوه آمده اند و آنقدر مردم تحمیل میکنند و فشار می آورند که تماماً آمده اند در شاهرود در تلگرافخانه متحصن شده اند و دو حرف دارند یکی راجع بتنبا کو و یکی هم راجع بتریاک و اگر این فشارها رفع نشود آنها مأیوس می شوند خوبست جلو گیری از عملیات مأمورین تجدید بشود تا اینکه این صادرات از ایران قطع نشود

وزیر پست و تلگراف - در جواب نماینده محترم آقای داور عرض می کنم که دولت هیچ قرضی نکرده نه مستقیم و نه غیر مستقیم و هیچ چیزی را هم وثیقه نگذاشته است

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - چون امروز پنجشنبه است و مطالب متفرقه را میتوان عنوان کرد بنده هم بهسم خود می خواهم بعضی عرایضی بکنم در جلسه قبل نوبت بنده نرسید حالا عرایض خود را عرض میکنم هر چند با طرز واسلوبیکه اخیراً دولت نمایش داد دیگر در مجلس محتاج نیست که سؤالات ما حضور وزیر شود زیرا وزیر هم در مقابل سؤال یک مجسمه بی روحی است گاهی هم - شرشرا تکان می دهد و یک تبسمی هم میکند و کیل بیچاره هم خودش را خسته کرده و یک مدتی حرف زده و آن وزیر میگوید بگذار خودش را خسته کند من که هیچ جواب ندادم مردم هم در تحت فشار هستند او هم حرفش را بزند و چون این رویه را دولت پیش گرفته که سال بسال نه جواب سؤالات را بدهد و نه در مجلس پیدا شود و اگر هم اتفاقاً پیدا شوند و از طرف و کلاسؤال شود و لهم آذان لایسمعون بها گوش دارند ولی آنچه را که باید بشنوند آقایان نمی شنوند و کوششانرا هم عوض نمیکند پیش در اینصورت این مطلبی را هم که می خواهم عرض کنم فوق نمیکند چه وزیر باشد چه نباشد زیرا در دیوار حکم همین اشخاص را دارد و مردم هم در تحت فشار حکومت و مأمورین دولت هستند و شاید هم بزبان اقلیت این عبارت را بگویند که این مشروطه با آن استبداد سابق چه فرق دارد زیرا و کلا هم آنجا نشستند و مثل ایام فترت و قبل از مشروطیت همه قسم تعدیات بلکه بیشتر بما میکنند و کسی نیست رفع تعدیات را بنماید این مسئله نتیجه اش این

می شود که مردم بکلی از اسلوب و اساس مشروطیت رنجیده خاطر بشوند زیرا می بیند هیچ تفاوت درصدمات و تعديبات زما استبداد با زمان مشروطه نشده است و اگر هم شکایت کنند و کاغذ بمجلس بنویسند آن کاغذ بکمیسیون عرایض می آید و مطابق نظام نامه داخلی کمیسیون عرایض خیلی زحمت میکشد ولی اثرش این است که تبادل کاغذها بشود و اگر هم سوان بشود چنانچه گفته شد میگویند چون هوا گرم است باحرف فارسی نمیتوان مغایره کرد و چون هوا سرد می شود تلگرافی ناخوش است اینطور جواب ها گفته می شود

خوب وزیر است هر چه دلش می خواهد میگوید بنا بر این برای آن بیچاره که در نعت فشار است

هیچ نتیجه و اثری نخواهد داشت فقط وکیل می گویند من وظیفه خود را انجام دادم غیر از این قانون بمن حقی نداده در هر حال آنچه بنده می خواستم عرض کنم راجع بعموم بود که اوضاع مملکت متأسفانه این است اهالی بدبخت در تحت فشار و مثل زمان سابق هر وقت کسی مأموریتی می خواست اول يك پولی بعنوان رشوه میداد و به اهالی بدبخت فشار می آورد و صدمه میزد و اذیت مینمود ولی حالا فرقی که کرده این است که يك حقوق هم علاوه میدهند و آن شخص حاکم و مأمور هم هر کاری میخواهد بکند میکند و هر چه هم داد و فریاد کنند با اسلوب جدید خیلی قنقن که این ترتیب که عرض کردم نتیجه گرفته می شود این است اوضاع مملکت و وظیفه بکنفر نماینده این است که تلگرافات و کاغذهای شکایت را بمجلس بدهد و جواب برای او کلین خودش بفرستد نمی دانم چه جواب مردم بدهم و جواب آنها را چه بنویسم بنده هم حسب وظیفه زیر آنرا نوشته بدفتر مجلس می فرستم یکی از آن مسائل این است که اگر با وجود آزادی مطبوعات یکی از جرأت بد برخلاف میل یکی از حضرت اشرفها چیزی بنویسد در هر هفته دنیا باشد در تحت فشار واقع می شود مثلاً این روزنامه که بمن رسیده با شکل و ترتیب غریبی رسیده در جوف پاکت سفارشی با اسم و امضاء یکی از علماء بوده و قتی که بنده یا کتا را از کردم دیدم روزنامه است اینهم آزادی تلگرافی و مراسلات و مطبوعات ما است که از ترس سانسور باین ترتیب می فرستند که مبادا وزیر یا رئیس پست به جانانش نرسانند در هر حال این روزنامه باین ترتیب رسیده در مملکت آزاد مشروطه و بعد از آن تلگرافات متعددی رسیده است در این موقع هم تلگراف هم روزنامه را می خوانم این تلگراف توسط آقای مصباح دیوان رسیده است توسط حضرت اجل آقای مصباح دیوان نماینده سیستان مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت

عظمت چهار سال است رعایای خواف گرفتار فشار تعديبات حکومت خواف متواری ولایات حالیه جبراً رضایتنامه می گیرند چندین عرایض متظلمانه رعیت بوزارت خانه ها ضبط تعجب است چگونه دست این ظالم را کوتاه نمی فرمایند والا ناچاریم شرفیاب سر اصطبل حضرت اشرف پناهنده شویم سید عطا کلانتر رحمت حیدر نور محمد عظیم حاجی محمد جان

بالاخره بعد از اینکه بتام مراجع تظلمات مراجعه کردند نتیجه نگرفتند آن وقت می گویند درصد سال قبل اجداد ما چه میکردند و قتی که عاجز می شدند درس اصطبل شخص تعدی کننده پناهنده میشدند ما هم حالا با اصطبل حضرت اشرف پناهنده می شویم که شاید در دمان دوا شود این تلگراف بود که خواندم اما روزنامه می نویسد :

بمقام مقدس ریاست مجلس شورایی دامت شوکت و نماینده محترم شاهزاده سلیمان میرزا دام اقباله

مظالم و تعديبات فوق الطاقه اسعد الملک کردستانی و عبدالحسین خان پسر او که هم مباشرت املاک آقای قوام السلطنه و هم حکومت خواف را دارند برای پیشرفت املاک خود هستی ما فلک زدگانرا بیاد فنا داده و از هیچ نوع ظلم و فجایعی فرو گذار نمیکنند و مدت چهار سال است که يك مشت رعایای ستم زده غارت شده را از خانمان آوازه کرده و تا کندن هزارها عریضه بمقام وزراء عظام و اولیای امور و مقامات مربوطه داده ایم و متأسفانه چون شکایت ما از طرف گماشتگان آقای رئیس الوزراء است هیچکس بعرایض ما رسیدگی نکرده و دادما رعایا را نداده است ما فلک زدگان در این مدت چهار سال با اهل و عیال بشهید و قاتل و باخرز متواری و در هر نقطه بشکایت پرداخته حتی همین نه ماه قبل به آقای نظام السلطنه و الهی گذشته هم تظلم نموده ایم ایشان هم بهمان ملاحظه فوق گوش بعرایض ما اندادند !! بدست از ما رعایا چندان وقت قبل به تلگرافخانه متحصن و بشکایت پرداختند باز حکومت بدسیسه مشغول شد و سوار فرستاد متحصنین را پراکنده کرد از برای رضای خدا و بیغمیر بداد ما بیچارگان که صد هزار تومان هستی ما فلک زدگان را اسعد الملک و پسرش که بواسطه مباشرت املاک رئیس الوزراء و حکومت خواف مرتکب می شوند می شود گفت:

از برای خدا و اسلام اگر دولت ما را باین دو نفر فروخته است بفرمائید تا تکلیف خود را بدانیم یا از ایران مهاجرت کنیم یا جان بدیم اگر هم ماصاحبی داریم دست این دوشیر را از سر ما کوتاه فرمائید تا پس چهار سال در بدری بخانه خراب خود مراجعت کنیم.

(رعایای فلک زده خواف) این شکایات است

و تقاضای دادخواهی از آن دو وجود محترم داریم

قره اول - صد نفر سوار از قدیم حدود خواف داشته است سال گذشته عبدالحسین خان حاکم خواف آنها را در صورتی که حاضر خدمت بودند اخراج کرده و ده هزار و هشتصد تومان حقوق آنها را از مایه گرفته و بعد از آن صد نفر سوار جدید بضر شلاق و حبس و شکنجه باسی هزار تومان با اسم اسب و اسلحه نقد از ما رعایا گرفته و سی هزار تومان هم خسارت بموارد آورده است

قره دوم - چندین نفر پیشرف بی سر و پا را برانگیخته و حمایت میکند که آنها بجان رعایا افتاده و از هیچ قسم ظلم و تعدی فرو گذار نمیکنند و نوشتجات جعلی برای املاک عمر و زید تهیه میکنند.

قره سوم - هیچکس در حوزه حکم متی آن مستبد ظالم دارای مال و جان و ناموس نیست زیرا از هر کسی به بهانه از قبیل این که پدر تو مرده است یا دخترت را عروسی نموده یا پسرت را داماد کرده باید حق حکومت را بدی بول از مردم اخذ می کند آيا حیات و مات هم بدست بنده است یا باید کسی عروسی و دامادی نکند؟! (ورک نفرین هم کرده که انشاء الله مستجاب نمی شود) ای مملکت خراب و ویران شوی

قره چهارم - در موقی که رعایا مشغول تهیه زندگانی و اعاشه حیات هستند زور شلاق مارا برای بی گاری و جمع آوری محصول سده سلامه می برد.

قره پنجم - چندین خوراک تریاک محصول امساله ما را بزور و فشار از ما در هر منی ده تومان با سنگ بیست از ما گرفته اند

قره ششم - برادر اسعد الملک نایب - الحکومه يك بلوک است و در تمام قلعه جات اطراف گماشته دارد.

(حقیقتاً نمی دانم چطور می توان خوانده و تحمل کرد) که در هر جا زوجه چه ایست معرک شوند که از شوهر های خود شکایت کنند و بی چاره ها را گول زده هم بدنام و بی ناموس می کنند جریمه کرده از خانه داری بر می آورد

قره هفتم - موقی که اداره اوراق خراسان شتر برای حمل غله به تهران می خواست در صورتیکه حاضر بودیم شتر بدیم ما را بقوه استبداد از دادن شتر معانت کرده و پول گزافی هم گرفته است.

این است شمه ای از فجایع اسعد الملک و پسرش که بواسطه مباشرت املاک رئیس الوزراء و حکومت خواف مرتکب می شوند می شود گفت:

از برای خدا و اسلام اگر دولت ما را باین دو نفر فروخته است بفرمائید تا تکلیف خود را بدانیم یا از ایران مهاجرت کنیم یا جان بدیم اگر هم ماصاحبی داریم دست این دوشیر را از سر ما کوتاه فرمائید تا پس چهار سال در بدری بخانه خراب خود مراجعت کنیم.

(رعایای فلک زده خواف) این شکایات است

که رسیده یا صحیح است یا سقیم - ما باین دو دیگر چیزی نیست.

یار است میگویند یا دروغ خودشان یاد آوری کرده اند که تلگراف رئیس الوزراء میبکنند جواب داده نمی شود بمجلس می کنند نتیجه نمیگیرند.

آخر الامر بتوسط يك نفر از کلاه تلگراف میکنند رئیس الوزراء که اگر برای ماذوائی نیست میبایم در شرط و بله خود متحصن می شویم.

این است يك نمونه از کارها و اعمالی که در این مملکت می شود.

این و خلیفه بنده بود که صدای ناله آن ها را بگوش آقایان برسانم؛ حالا هر علاجی که آقایان می دانند بفرمایند.

بنده گمان می کنم این مطلب مقدم باشد بر سایر مطالب یعنی این قضیه راحتی مردم خیلی لازم است از اینکه پیشنهادی تومان شهری در باره فلانکس برقرار کنیم یا حقوق تقاعد در باره فلان شخص تصویب کنیم زیرا آسودگی و راحتی اهالی و رعایا که نتیجه و ثمره مشروطیت است مقدم است. حالا خودتان مختارید.

**رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی.**

(اجازه)

**شیخ الاسلام -** بنده در این پیشنهاد آقای امین التجار عرض داشتم. زیرا عنوان دو مطلب بود یکی تذکر بدولت که اقدامی نکنند بدون اطلاع مجلس و يك اعلامی هم بکنند که مردم بدانند از طرف مجلس هنوز تصمیمی در این باب اتخاذ نشده است. مطلب دوم را که مهمتر بود نوشته اند مطلب اولی را آقای رئیس تذکر دادند.

حالا اگر مطلب دوم را پیشنهاد بفرمایند بنظر بنده خیلی لازم است.

**رئیس -** دومی ندارد يك مطلب است.

**شیخ الاسلام -** آقای حاج امین التجار دو مطلب اظهار کردند ولی در پیشنهاد مسئله ثانی غفلت شده است و قید نکرده اند.

قره هفتم - موقی که اداره اوراق خراسان شتر برای حمل غله به تهران می خواست در صورتیکه حاضر بودیم شتر بدیم ما را بقوه استبداد از دادن شتر معانت کرده و پول گزافی هم گرفته است.

این است شمه ای از فجایع اسعد الملک و پسرش که بواسطه مباشرت املاک رئیس الوزراء و حکومت خواف مرتکب می شوند می شود گفت:

از برای خدا و اسلام اگر دولت ما را باین دو نفر فروخته است بفرمائید تا تکلیف خود را بدانیم یا از ایران مهاجرت کنیم یا جان بدیم اگر هم ماصاحبی داریم دست این دوشیر را از سر ما کوتاه فرمائید تا پس چهار سال در بدری بخانه خراب خود مراجعت کنیم.

(رعایای فلک زده خواف) این شکایات است

سابقه های خوبی داشتند و از مفتشین خوب اداره مایه بودند عبد الحسین خان پسر خودشان را بحکومت خواف فرستادند و بعد از چند ماه اهالی باز شکایت کردند بعد از اینکه رسیدگی شد معلوم شد شکایات آنها چندان موضوعی نداشت تا امسال که همه بشهید آمدند شکایاتی توسط بنده نمودند و بنده هم کاغذشان را به آقای رئیس الوزراء رساندم و قرار شد مجددا رسیدگی شود و بنده مخصوصاً چند روز قبل رفته بهیئت وزراء و عرض کردم تلگراف کردن بایالت خراسان با حاکم بودن خود از چندان صحیح نیست و گمان نمی کنم آنها راضی شوند که با حاکم بودن او رسیدگی شود. خوبست بانظر بی طرفانه شکایات آنها رسیدگی شود که استرضای خاطر متظلمین بعمل آید و اما این شرحی را که نوشته اند بنده همه را نمی توانم تکذیب کنم ولی نظائر این شکایات در تمام اقطار مملکت زیاد است و در همه جا واقع می شود و بنده در سهم خود از آقای سلیمان میرزا تشکر میکنم که این قسمت را امروز تذکر دادند و باید حتی الامکان سعی کرد که نظائر این شکایات واقع نشود ولی در این مسئله اقدامات و تلگرافات لازمه شده است و آن شخص هم عجلاننا معزول شده و قرار است رسیدگی کامل شود و دستورات لازمه برای آسایش آنها داده شده است و اگر هم دروغ گفته باشند معلوم خواهد شد زیرا اینها دوطبقه هستند یک دسته موافقین هم هستند که رئیس الوزراء تلگراف کرده و ابقاء حکومت را خواستار شده بودند و بنده مخصوصاً از آقای رئیس الوزراء تقاضا کردم که اول او را معزول کنند و بعد شروع برسیدگی شود و وقتی هم که بنده از نمایندگان محترم کردستان از وضعیات عبدالحسین خان سؤال کردم معلوم شد که چندان آدم صحیحی نیست باین جهت عقیده مند شدم که انفصال او خیلی بوقوم بوده است

**رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله** (اجازه)

**حاج شیخ اسدالله -** بنده در این موضوع عرضی ندارم

**رئیس - آقای سدید الملک** (اجازه)

سدید الملک - حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا شرحی از خارج اظهار داشتند از اهالی آنجا از اهل تسنن و يك جنس آن شیعه اند و چند سال است که حکام متفرقه با آنها میفرستند و همان باعث شکایات میشد و بواسطه اختلاف نظری که بیندیشند در فشار و زحمت بودند. در ۳ سال قبل بواسطه تقاضای يك قسمت از اهالی بعضی از آقایان مشهد همچو قرار شد که چهار سال در بدری بخانه خراب خود مراجعت کنیم.

این تناسب را رعایت کنند و آقای اسد الملک که چند سال بود در مایه بوده

ستاره ایران نوشته عرض میکنم. آقای معاون وزارت امور خارجه هم تشریف دارند مینویسد:

آقای اعتصام الممالک که سالیان دراز خود و پسرانش با سابقه های ممتد خدمات صادقانه آبرومندی برای این مملکت انجام داده و در مأموریت های متعدده مراتب درستکاری و بی غرضی و بی طمعی خود را مشهود داشته و اولیای امور وزارت خارجه و غالب زمامداران گذشته و حاضر از سوابق روز قبل رفته بهیئت وزراء و عرض کردم تلگراف کردن بایالت خراسان با حاکم بودن خود از چندان صحیح نیست و گمان نمی کنم آنها راضی شوند که با حاکم بودن او رسیدگی شود. خوبست بانظر بی طرفانه شکایات آنها رسیدگی شود که استرضای خاطر متظلمین بعمل آید و اما این شرحی را که نوشته اند بنده همه را نمی توانم تکذیب کنم ولی نظائر این شکایات در تمام اقطار مملکت زیاد است و در همه جا واقع می شود و بنده در سهم خود از آقای سلیمان میرزا تشکر میکنم که این قسمت را امروز تذکر دادند و باید حتی الامکان سعی کرد که نظائر این شکایات واقع نشود ولی در این مسئله اقدامات و تلگرافات لازمه شده است و آن شخص هم عجلاننا معزول شده و قرار است رسیدگی کامل شود و دستورات لازمه برای آسایش آنها داده شده است و اگر هم دروغ گفته باشند معلوم خواهد شد زیرا اینها دوطبقه هستند یک دسته موافقین هم هستند که رئیس الوزراء تلگراف کرده و ابقاء حکومت را خواستار شده بودند و بنده مخصوصاً از آقای رئیس الوزراء تقاضا کردم که اول او را معزول کنند و بعد شروع برسیدگی شود و وقتی هم که بنده از نمایندگان محترم کردستان از وضعیات عبدالحسین خان سؤال کردم معلوم شد که چندان آدم صحیحی نیست باین جهت عقیده مند شدم که انفصال او خیلی بوقوم بوده است

**رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله** (اجازه)

**حاج شیخ اسدالله -** بنده مذاکرات امروز مجلس را نمیدانم در تحت چه عنوانی تلقی کند در ابتدای مجلس آقایان نمایندگان بر حسب اجازه و اطلاعی که سابقاً بمقام ریاست داده بودند يك فرمایشاتی فرمودند در تعقیب آن مذاکرات کم کم روزنامه و مطالب خارج از بحث و موضوع عنوان شده.

مثلاً نسبت بمطالبی که شاهزاده محمد هاشم میرزا عنوان کردند هنوز مسئله را تصدیق نکرده و حقیقت امروز روشن نشده آقای حائری زاده مجازاتش را می خواهند خیلی تعجب است شاهزاده محمد هاشم میرزا میگوید باید رسیدگی کرد تا حقیقت معلوم شود. ایشان می گویند باید مجازات شود. پس بهتر این است آقایان وارد در مطالبی شوند که از مقامات رسمی يك ادله مثبت هم داشته باشند والا اگر آقایان به خواهند وارد این مطالب بشوند گمان نمیکنم خوب باشد.

باید خود آقایان مراعات اجرای قانون را بنمایند و در مطالبی که خارج از مورد بحث و عاری از ادله مثبتی است کمتر داخل شوند. باری بنده زیادتر از این نمی خواهم داخل در تشریح این مطلب بشوم و چون مرسوم بنده نیست خارج از نزاکت چیزی عرض کنم این است که تقاضا دارم آقایان در دستور فرمایش بفرمایند

**رئیس - آقای حائری زاده** (اجازه)

حائری زاده - این عرضی که بنده کردم که فلان مأمور باید محاکمه و مجازات شود مقصود در صورت صدق و قطعیت امر بود. آیا همه این مأمورین مادر این مدت صحیح العمل بوده و تمام بر مصالح میبکند قدم برداشته اند خیر بلکه خیلی از

مأمورین هستند که ظلم و تعدی کرده و می کند و هیچ مجازات نشده اند. فلان مأمور ظالم فقط باتکالی اینکه مباشرت املاک فلان آقا است هزاران ظلم و تعدی بر رعایای بدبخت می کند آن وقت تازه قضیه مسکوت عنه می ماند و ابدأ رسیدگی و محاکمه نمی شود. بنده مقصودم این بود در این قضیه فقط بعزل مأمور اکتفا نشود زیرا مردم يك تلگرافی در جرائد نموده اند. عارضین و متشکبان معلوم. معروض هم معلوم. دعوا هم معلوم و موضوع شکایات خودشان را هم معین کرده اند دیگر در این صورت ما نباید بانفصال تنها قناعت کنیم

**رئیس -** پیشنهادی آقای سهام السلطان نموده اند که لایحه امتیاز فقط جزو دستور شود. باید در این پیشنهاد رأی بگیریم مخالفی هست یا نه؟

**رئیس - آقای سلیمان میرزا** (اجازه)

سلیمان میرزا - بعضی مطالب هست که یکی دوتای آن جزو دستور شده و از نقطه نظر اقتصادم نهایت لزوم را دارد امروز هم ممکن است تمام شود و در صورتی که لایحه فقط مطرح شود با این وقت کمی که باقی است شاید تا آخر وقت مجلس يك ماده هم نگذرد لذا به عقیده بنده خوب است آنها جزو دستور باشند مثلاً در مسئله تنباکو تجار ما در مصر کاملاً در زحمت هستند و با اصلاحی که در کمیسیون خارجه شده و امروز هم جزو دستور بوده خوبست آنرا تمام کنیم علی الخصوص که وقت زیاد هم ندارد و آقای معاون وزارت امور خارجه هم اینجا تشریف دارند. همین طور لایحه راجع بقرارداد بین ایران و افغانستان که آتم تقریباً تمام شده گمان ندارم مذاکرات زیادی لازم داشته باشد و بایک رأی ممکن است تمام شود.

همچنین لایحه کبریت سازی آذربایجان که تمام شده و فقط يك ماده باقی دارد. بنده عقیده ام این است امروز این سه کار را تمام کنیم بهتر است زیرا يك خدمت بزرگی باقتصاد مملکت خواهیم کرد البته تمام اینها رجحان خواهد داشت بر اینکه در ماده دوازدهم لایحه فقط مذاکره کنیم زیرا تا آخر جلسه مثلاً ممکن است بنده حرف بزنم و منجر به نتیجه مطلوبه نشود بنا بر این بنده مخالفم

**رئیس - آقای ملک الشعراء** (اجازه)

ملک الشعراء - قضایای که حضرت والا فرمودند مهم است البته هر قضیه که مهم است ولی باید تصدیق بفرمائید که قضیه امتیاز فقط از همه چیز مهم تر است. زیرا مملکت ما فقیر است امور همینطور معوق و متراکم مانده

مستشار مایه هم پس از مطالعات زیاد صریحاً میگوید . تاقضیه نطق فیصله نیابد ما نمیتوانیم کار بکنیم البته بنده تصدیق دارم که اگر سی نفر از آقایان بخواهند باین قضیه مخالفت کنند ممکن است در هر ماده هر کدام یکساعت حرف بزنند و بالاخره نگذارند امتیاز نطق بگذرد این کار را می شود کرد ولی نباید کرد بنده از نقطه نظر عمومی عرض می کنم زیرا قضیه نطق شمال اختصاص باقلیت و اکثریت ندارد و یک قضیه ایست که مابین آقایان نمایندگان بالاتفاق حل شده است که باید از مجلس شورای ملی بگذرد و این مسئله برای مملکت خیلی مهم است باختصاص اینکه مستشار مایه صریح می گوید : قبل از خاتمه نطق شمال هیچ کاری برای این مملکت نمی توانیم بکنیم .

وبنده این اظهارات را بی لطفی میدانم که چون یک ساعت بیشتر باخر مجلس باقی نیست من حاضریم این یکساعت را حرف بزنم . به عقیده بنده عقب انداختن این قضیه هم بی انصافی است وهم بی احتیاطی و بنایم اینطور بی احتیاطی ها در مجلس بشود .

**رئیس - آقای مدرس . ( اجازه )**

مدرس - عرض میشود بنده مهمانمکن مایل نیستم عرایضی بکنم . بالخصوص در بعض مطالب که تناسب تامه هم بامن ندارد ولیکن يك مثلی است معروف که میگویند پس خرب نیایند می چسبند به بالانش . بنده نفهمیدم بعد از این مدت قوت يك دوره چهارمی تشکیل شده است باید ما غنیمت بدانیم و خودمان را بدین معرفی کنیم که ما میتوانیم کارهای اساسی بکنیم از آن جمله امتیاز معادن نطق يك قسمت مملکت را

بيك کمیانی آخر دنیا بدهیم که ابد با آنها مربوط نبوده ایم یا هیچ توجهی هم نداشته باشیم که دول بزرگی همسایه داریم و شاید آنها هم بخواهند و این امتیاز هم منفعت اقتصادی دارد و هم منفعت سیاسی و بيك شوقی هم از اول مجلس تمام و کلا در صدد اینکار بودند کمیسیونها تشکیل شد و جلب نظریاتی شد و بالاخره مستشاران که آمدند جلب نظریات آنها هم شد علاوه حالا هم شورا اول است ولی بعضی از آقایان همینطور که در بعضی مجلسها مرسوم است مسئله اقلیت و اکثریت را در این قضیه پیش آورده اند

بلی حسن يك مجلس بر این است که بيك جمعیتها و دسته هائی داشته باشد یا حزبی و غیر حزبی و یا اکثریت و اقلیت و یا بدبختانه مثل مجلس ما يك بی طرفی که تمام دوره های مجلس را بی طرف فلج کرد و آنروزیکه مجلس موفق بشود که بیطرف در مجلس نباشد آنوقت می شود پارلمان گفت البته مجلس باید دارای حزب سیاسی و غیر سیاسی باشد و اقلیت و اکثریت باید باشد و يك مطالبی

هم مطرح مذاکره بشود ولیکن غالباً اکثریت و اقلیت سبب بموضوع دولت است وظیفه اقلیت تنقید است و وظیفه اکثریت هم مساعدت است ولی باید مجلس مطالب راجع بقوانین و مصالح مملکت را داخل این کار نکند بعقیده من اگر يك قانونیکه پیشنهاد می شود بقتضای صلاح مملکت است باید سایرین موافقت کنند قضیه امتیاز نطق بدبختانه و زنگ اقلیت و اکثریت بخودش برداشته و حال آنکه هیچ مناسبت ندارد اگر نفع دارد برای مملکت است و برای همه است و ضرر هم اگر دارد ضررش برای همه است همه بنحو توافق ملاحظه بفرمائید دیگر عقب افتادنش جهت ندارد شورا اولش می شود و می رود برای شور دوم شاید دوسه ماه طول بکشد و هیچ اهمیت ندارد که با يك کابینه بگذرد و با يك کابینه نگذرد چرا مطالب را بخودتان اشتباه میکنید ما می فهمیم که آقایان رفقاً میل ندارند که مسئله نطق باین کابینه بگذرد ما هم همچو عشقی نداریم که حتماً با این کابینه بگذرد شاید سه کابینه طول بکشد و آیا این مسئله بگذرد . گذشته از این از این کارها هیچ چیزی در نمی آید تا پارلمان هست دولتها نمیتوانند چیزی ببرند

باز بنده عرض میکنم دولت و پارلمان مثل آب جاری است دولتها می آیند و می رود ولی و کلا ثابت هستند و باید قوانین بگذرد و باید این موضوع را اهمیت بدهند که قوانین را بنظر اتفاق در صلاح مملکت بگذرانند و این بهانه جوئی ها را نباید کرد برای اینکه با اینها دولت از بین نمیرود مخصوصاً دولتی که رئیس الوزراء آن و خیلی سخت است برای از بین رفتن دولت باید ورقه آبی داد هر دو لیتیکه بهانه جوئی برود قابل حکومت در این مملکت نیست قابل حکومت در این مملکت يك شخص محکمی است که با ورقه آبی برود و با ورقه سفید بماند این عرایضیکه کردم اگر بعضی از آقایان بنظر خوبی نظر کنند گمان میکنم خیلی موافق باشد با نظر آنها

**رئیس -** نسماعت بظهر مانده است اگر مایل باشید چند دقیقه تنفس است ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نسماعت مجدداً تشکیل گردید **رئیس -** آقای حاج شیخ اسدالله ( اجازه )

حاج شیخ اسدالله - بنده عرضی ندارم **وزیر معارف -** شش فقره پیشنهاد است تقدیم می شود **رئیس -** قرائت شود **وزیر معارف -** اگر فرصت هست پیشنهاد دولت راجع بتاسیس مدرسه فنی قرائت شد ( شرح ذیل مقام منبع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

با اینکه بزرگترین اسباب سعادت و ترقی هر قوم و مملکتی ترویج صنایع داخلی آنست در این مملکت بدبختانه هیچ توجهی باین امر مهم حیاتی نشده بلکه صنایع ملی ایران آنچه از سابق بوده رفته رفته رو به تهازل و غالباً منتهی با ضحلال شده است و گذشته از آنکه تولید مال التجاره نکرده رفیع احتیاجات آنی اهل مملکت را هم نمیکند و این مسئله برای يك مملکت مهلت ترین قضایا است و چون دلائل آن بقدری واضح است که بر احدی پوشیده نیست این بنده از تفصیل و اطناب مقدمه صرف نظر کرده توجه فرمایند گمان محترم را باصل مطالب جلب می نمایم گویا کسی انکار نداشته باشد که در این عالم حسیض صنایع و بی اعتنائی باین امر اساسی فقط کسی که با قات اسباب هنر ایرانی را بمیزان معلومات امروزه ثابت کرده استاد معظم آقای کمال الملک است که علم و آگاهی و مراقبت خود را در ترویج و ترقی صنایع مستظرفه صرف نموده و از تربیت شاگرد و حسن اداره این کار نموده عالی در ایران گذارده و خواسته اند بهمه بفهمانند که لایفات ایرانی از دیگران کمتر نیست بنده راجع بر برقراری بوطی پنجشاهی علاوه بر برنج برای توسعه معارف مازندران گیلان وزیر معارف - یکی از این پیشنهادها راجع بتوسعه معارف آذربایجان و یکی هم راجع بتوسعه معارف گیلان و دیگری هم راجع بتوسعه معارف مازندران است در گیلان و مازندران يك محلهائی هست که باید با مساعدت آقایان نمایندگان تصویب شود برای اینکه خود اهالی حاضر برای مساعدت هستند و آذربایجان با آن وسعتی که دارد آن مقداریکه برای معارف آنجا معین شده خیلی کم است و فقط در شهر تبریز است که چندتا مدرسه است آنهم کفایت آنجا را نمیدهد و البته آقایان می دانند آن ابالت دارای شهرهای بزرگی است باین مناسبت پیشنهادی راجع بانجا تقدیم شاه است یکی هم راجع بمدارس حومه طهران است اگر چه برای مدارس طهران مبلغی در بودجه پیش بینی شده ولی چون سابقاً وجوه آن از مبلغیکه بمدارس ولایات تخصیص داده شده بود پرداخته میشد و وزارت مایه نخواست است از آن مبلغ برای مدارس حومه طهران چیزی بپردازند این است که پیشنهادی هم راجع باین موضوع تقدیم شده است يك پیشنهاد هم راجع بشیخ محمد خان است که در فرنگستان مشغول خدمات است و برای نوشتن نسخ علمی خدمات او قابل تقدیر است اینست که برای او پیشنهادی شده است که شهریه باور داده شود **رئیس -** بکمیسیونهای مربوطه ارجاع می شود

آقای شیخ الاسلام ( اجازه )  
وزیر معارف - شش فقره پیشنهاد است تقدیم می شود **رئیس -** قرائت شود **وزیر معارف -** اگر فرصت هست پیشنهاد دولت راجع بتاسیس مدرسه فنی قرائت شد ( شرح ذیل مقام منبع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

دوازدهم - گ راور سیزدهم - ساختن چاقو و قیچی و چلنگری صنعتی چهاردهم - حکاکی پانزدهم - گلدوزی زنانه و کارهای سوزنی بدی و طرحها و نقشه های فنی برنمایندگان محترم واضح است که این مدرسه وقتی بفضول خدا راه افتاد نتهتها مصارف خود را اداره میکند بلکه برای مملکت يك اساس سرمایه می شود که فوائد آن بر کسی مستور نیست با امید اینکه توجه نمایندگان محترم کمک در تسریع حصول نتیجه خواهد کرد ماده ذیل را بمجلس محترم پیشنهاد نموده سرعت تصویب آن را تمنا می نمایم

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب می نماید که برای تأسیس مدرسه صنعتی مردانه و زنانه در طهران از اول دلو هنده السنه ماهی یک هزار و دویست تومان به وزارت صنایع مستظرفه اعتبار داده میشود که بعد از تشکیل بودجه آنرا بتصویب مجلس برساند **رئیس -** دو فقره پیشنهاد دیگر است راجع بر برقراری بوطی پنجشاهی علاوه بر برنج برای توسعه معارف مازندران گیلان وزیر معارف - یکی از این پیشنهادها راجع بتوسعه معارف آذربایجان و یکی هم راجع بتوسعه معارف گیلان و دیگری هم راجع بتوسعه معارف مازندران است در گیلان و مازندران يك محلهائی هست که باید با مساعدت آقایان نمایندگان تصویب شود برای اینکه خود اهالی حاضر برای مساعدت هستند و آذربایجان با آن وسعتی که دارد آن مقداریکه برای معارف آنجا معین شده خیلی کم است و فقط در شهر تبریز است که چندتا مدرسه است آنهم کفایت آنجا را نمیدهد و البته آقایان می دانند آن ابالت دارای شهرهای بزرگی است باین مناسبت پیشنهادی راجع بانجا تقدیم شاه است یکی هم راجع بمدارس حومه طهران است اگر چه برای مدارس طهران مبلغی در بودجه پیش بینی شده ولی چون سابقاً وجوه آن از مبلغیکه بمدارس ولایات تخصیص داده شده بود پرداخته میشد و وزارت مایه نخواست است از آن مبلغ برای مدارس حومه طهران چیزی بپردازند این است که پیشنهادی هم راجع باین موضوع تقدیم شده است يك پیشنهاد هم راجع بشیخ محمد خان است که در فرنگستان مشغول خدمات است و برای نوشتن نسخ علمی خدمات او قابل تقدیر است اینست که برای او پیشنهادی شده است که شهریه باور داده شود **رئیس -** بکمیسیونهای مربوطه ارجاع می شود

آقای شیخ الاسلام ( اجازه )  
وزیر معارف - شش فقره پیشنهاد است تقدیم می شود **رئیس -** قرائت شود **وزیر معارف -** اگر فرصت هست پیشنهاد دولت راجع بتاسیس مدرسه فنی قرائت شد ( شرح ذیل مقام منبع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

شیخ الاسلام - بنده میخواستم با آقایان تذکر بدهم که امروز روز میمون و مبارکی است که از طرف وزیر معارف لایحه تقدیم مجار شده در این دوره در مجلس هیچ اسم معارف شنیده نشده و کمیسیون معارف هم هیچ منعقد نشده مگر در آن ماههای اول برای يك لایحه که آنهم چندماده بود دیگر مدتی بود که بنده هیچ اسم معارف را نشنیده بودم و بنده باز تکرار میکنم که امروز را یکروز مبارکی می دانم **رئیس -** راجع بلایحه نطق آقایان اظهاراتی دارند بفرمائید . سهام السلطان - چون نسماعت از ظهر گذشته خوبست جزو دستور جلسه بعد شود .

**رئیس -** راجع بدستور پس فردا خوبست پیشنهاد کنیدا ثابت شود . آقای مستشار السلطنه ( اجازه )

مستشار السلطنه - یک فقره تقی خان نامی است که يك مختصر حقوقی دارد که اغلب آقایان او را در این صحن بهارستان دیده اند اگر آقایان اجازه بدهند جزو دستور شود **رئیس -** راجع بیتی خان ایرادی نیست ؟

( اظهاری نشد )  
آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )  
آقا سید یعقوب - بنده دو چیز را متذکر میشوم که اگر آقایان موافقت کنند جزء دستور شود

یکی راجع بمسئله نطق است و یکی هم راجع بمسئله گیل سرخ است که خاطر آقایان را متذکر میکنم ما با اینکه این قدر لوابح خرج را میگذرانیم اقلاً این لایحه فرمایشاتی فرمودند که راجع میشود بيك جمعیتی که بنده هم در آن هستم **رئیس -** تأمل بفرمائید این مطالب راجع بدستور نیست .

آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - بنده مجبورم حالا یا بعد از دستورتهمتهائی را که دو نفر رفیق من آقای مدرس و ملک الشعراء بمن زدند رد کنم اگر اجازه بفرمائید حالا عرض کنم . **رئیس -** حالا راجع بدستور است مدرس - بنده هم توضیح میدهم که هیچ نظری نسبت بسرکار نداشتیم

سلیمان میرزا - حالا که فرمودند موقع نیست . در موقع خودش عرض میکنم و بعد هم میگویم نظر بایشان نداشتیم . نظر بداشتن توی دل شما است . بنده هم همه حرفها را میگویم بعد میگویم نظر بشما

نداشتیم . اما راجع بمسئله نطق با همه فرمایشاتی که فرمودند با تمام نصایح بدران و دوستانه که فرمودند معذک کله بنده مقدم میدانم که معاهده تجارتنی با مصر مطرح شود برای اینکه در مسئله تنباکو تجار ایرانی در مصر آسوده شوند عقیده آزاد است چون همیشه ما میگوئیم که باید يك کاری کرد که از نظر اقتصادی فایده حاصل شود ولی در موقع نمی دانم چرا اقدام نمیکند . تجاریکه الان در مصر هستند گرفتارند و این مطلب هم همینطور معطل مانده و تقریباً در پنجاه دقیقه یا نیم ساعت میگذرد .

بنده این را مقدم بر مسئله نطق میدانم و بعد هم مستمری آن بیچاره را که آقای مستشار السلطنه اظهار کردند مقدم است و همچنین لایحه کبریت سازی را از نقطه نظر رفع احتیاجات داخلی مقدم میدانم . ومن هیچ ملاحظه هم ندارم . من نه بکابینه اعتماد دارم و نه با این ترتیب لایحه نطق موافقم .

**رئیس -** رای میگیریم که لایحه نطق جزء دستور بشود یا خیر ؟  
آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده عرضی دارم .

**رئیس -** بفرمائید  
آقا شیخ ابراهیم - همه آقایان میدانند که بنده هیچوقت نسبت باشخاص عرض خارج از نزاکت نکرده ام و این عادت را ندارم ولیکن آقای مدرس و ملک الشعراء فرمایشاتی فرمودند که راجع میشود بيك جمعیتی که بنده هم در آن هستم **رئیس -** تأمل بفرمائید این مطالب راجع بدستور نیست .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده راجع بمسئله نطق و دستور عرض میکنم که چرا جزو دستور نشود .

اولاً نباید در مجلس يك حرفهائی زد که بقول بعضیها تهدید محسوب میشود . هر کسی يك نظریه دارد و صلاح مملکت را میخواهد .

از موافق و مخالف همه صلاح مملکت را میخواهند پس نباید گفت اگر اینطور نکرديد چه میشود و چه خواهد شد هر کس عقیده خود را میگوید علاوه بر این مسئله نطق چیزی بود که همه حسن استقبال کردند و همه هم موافقت کردند چیزهائی که به نفع مملکت است زودتر بگذرد چه نطق باشد چه بزرگتر از نطق و چه کوچکتر از نطق . ولیکن شاید کسی کسه مخالف است در مطرح بودنش مخالف باشد نه در گذشتنش . مثلاً بنده میل دارم این عبا خریداری شود ولی صلاح نمایانم که بدست این نوکر خریداری شود . ممکن است بدست دیگری خریداری شود برای اینکه بنده بگویم شاید او صلاح خودش را ملاحظه میکند نه صلاح مرا . یا اینکه کسی صلاح نداند که بدست

يك جمعیتی یا يك نفری این کار بشود پس نباید آنها را ترور کرد و گفت حالا که شما اینطور صلاح نمایانید مملکت را نمیخواهید و برخلاف صلاح مملکت هستید بنده تقاضا می کنم که این حرفها گفته نشود و صلاح هم نمایانم والا اگر حرف بزنند بنده هم میتوانم بگویم آقا شما که این اصرار را دارید برای قائم خودتان است . آن وقت جواب چیست ؟ من میگویم نباید گفت تا چنین جوابی نشنید . بنده میگویم البته نطق هم صلاح مملکت است و باید بگذرد ولی حرفهائی که به اشخاص بر میخورد نباید گفته شود . زیرا بعد از آن حرفها حرفهائی دیگری هم گفته میشود . من از آقای ملک الشعراء و آقای مدرس هیچ انتظار نداشتم که چنین کنایاتی بفرمایند و باز هم تقاضا می کنم که این حرفها را نفرمایند والا مثل منی را که هیچ وقت هیچ حرفی ننیزم و ادار می کنید که خیلی چیزها را بگویم .

**رئیس -** آقای محمدولی میرزا ( اجازه )  
**محمدولی میرزا -** بنده تقاضا دارم اگر مجلس موافقت کرد که لایحه نطق جزء دستور جلسه بعد باشد بعد از آن لایحه امتیاز کبریت سازی آذربایجان جزء دستور شود چون خیلی جزئی است و چندان وقت مجلس را نخواهد گرفت و از قراریکه بنده اطلاع دارم صاحبان امتیاز اقداماتی نموده اند و اگر در دادن امتیاز با آنها تأخیر شود تولید اشکال برای آنها خواهد نمود .

**معاون وزارت خارجه -** بنده تقاضا می کنم که فصل سیم معاهده ایران و افتنان هم چون خیلی جزئی است و فوریت دارد جزو دستور جلسه بعد گذارده شود .

**رئیس -** آقای ارباب کیخسرو ( اجازه )  
**ارباب کیخسرو -** اگر چه آقای مدرس نسبت به بی طرفی نفرین کردند و بنده هم این دفعه جزء بی طرف نیستم و منفرد هستم و گمان میکنم مسلک خودم را هم فدای هیچکس نکرده ام و هرقت هم که صلاح مملکت را دانسته ام رأی داده ام و عقاید خودم را هم اظهار کرده ام بوجهت حالا نسبت بان نفرینی که به بی طرف کردند کار ندارم و راجع باین مسئله عرض میکنم که بیش از يك سال است در مجلس طرح شده است . مملکت و ملت ایران با يك مملکت بزرگ دنیا خواسته است روابط پیدا کند و امتیاز معادن نفت شمال را به آنها بدهد . حالا مجلس اگر نمیدهد و نمیخواهد بدهد رد کند و اگر میدهد بگذرانند . بنده این را آبرومند برای يك ملت نمایانم که چیزی را خودش استقبال کرده حالا به تأخیر بیندازد و رد کند اگر طرف خوبست باید

داد عمر وزید را هم نمی شناسم . البتتی وقتی که بمجلس آمد و اکثریت مجلس در آن موقع با هر کس بود نظریه او بیشترت خواهد کرد . امروز يك عده اینطور صلاح میدانند و میگویند ما با دولت حاضر صلاح نمایانیم این مسئله بگذرد و باید با فلان دولت بگذرد و با فلان نوکر من بقول آقای زنجانی نباید دخالت کند هنوز پای خرید و فروش در میان نیامده برای اینکه ممکن است فردا يك عده دیگر این حرف را بزنند با این ترتیب نمیشود نتیجه گرفت . اولاً این شور اول است و يك فرجه هم هست و بعد از آنکه شور اول تمام شد نظریات آقایان را در کمیسیون می سنجند و قانون را جرح و تعدیل میکنند بعد هر قسم که صلاح و صرفه مملکت باشد می نویسند . این مسئله در واقع مثل مسئله تجارت میماند که دو نفر باهم داشته باشند و يك نفر بد معامله کند و بنده خیلی بد مضر میدانم که انسان بد معامله گی کند خصوصاً آن کسی که خواهان آن بوده است . خود ایران حاضر شده است و گفته است که ما امتیاز نفت شمال را میخواهیم بدهیم و تمام مشتری هائی که پیدا شده اند می خواهند زودتر تکلیف خود را بدانند . از این نقطه نظر بنده میخواستم تقاضا کنم که آقایان موافقت بفرمایند که این هم جزو دستور فردا باشد و البته مانعی هم با بودن لوابح کبریت سازی و غیره ندارد . همچون نیست که تصور بفرمایند اگر کبریت وقت با هم باشد آتش بگیرد ممکن است هم لایحه نفت و هم مسئله کبریت هر دو بگذرد بنابراین بنده متقدم که این هم جزو دستور باشد تا نظریه عموم آقایان نمایندگان معین شود **رئیس -** رأی می گیریم آقایانی که تصویب می کنند مسئله نفت جزو دستور روز شنبه باشد قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند ) **رئیس -** تصویب شد . راجع به گل سرخ و کبریت سازی هم مخالفی نیست . جزو دستور خواهد بود ( مجلس سی و پنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد ) **رئیس مجلس -** **هوتن الملک جلسه دویست و دوم صورت مشروح مجلس یوم شنبه پانزدهم برج جدی ۱۳۰۱ برابر هیجدهم جمادی الدولی ۱۳۴۱** مجلس دوساعت قبل از ظهر بریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید ( صورت مشروح یوم پنجشنبه سیزدهم را آقای امیرناصر قرائت نمودند ) **نایب رئیس -** در صورت مجلس فرمایشی نیست ؟ ( اظهاری نشد )